

بررسی رفتار انحرافی دانشجویان: ارزیابی توان تبیین نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل

اکبر علیوردی‌نیا*

نگار شهریاری یانه‌سری**

چکیده

هدف از تحقیق حاضر آن است که با ارزیابی توان تبیین نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل چرایی وقوع رفتارهای انحرافی را در میان دانشجویان دانشگاه مازندران بررسی کنیم. روش تحقیق حاضر پیمایشی است. در مجموع ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران که در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بوده‌اند به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق بیان‌گر آن است که میان پسران و دختران از لحاظ میزان وقوع رفتارهای انحرافی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان پسر بیش‌تر از دانشجویان دختر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مدل مستخرج از متغیرهای مبتنی بر نظریه‌های کلاسیک فشار، بازدارندگی، پیوند اجتماعی، و نظریه عمومی جرم به خوبی می‌تواند رفتارهای انحرافی دانشجویان را تبیین کند. در واقع، از یک سو، قرار گرفتن در معرض فشار ممکن است التزام به فعالیت‌های متداول، باور به قوانین، ارزیابی از خطرهای مجازات، و خودکنترلی فرد را تحت تأثیر قرار دهد؛ از سوی دیگر، ترس از مجازات‌ها، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های متداول، باور به عادلانه بودن قوانین، و خودکنترلی بالا می‌توانند به اوضاعی بینجامند که افراد به جای انطباق با فشارهای ساختاری راهبردهای مقابله‌ای را انتخاب کنند.

کلیدواژه‌ها: رفتارهای انحرافی، نظریه کلاسیک فشار، نظریه‌های کنترل، دانشجویان دختر و پسر.

* استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، aliverdinia@umz.ac.ir
** کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران، shahryari_negar@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸

۱. مقدمه

انحراف به رفتاری اشاره دارد که از هنجارهای اجتماعی به دور است (Siegel, 2011: 6)؛ رفتارهای انحرافی یکی از آسیب‌های اجتماعی‌اند که برخلاف هنجارهای اجتماعی از فرد سر می‌زنند و کارکردهای وی را مختل می‌کنند و به تبع آن کارکرد خانواده و جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهند (علی‌وردی‌نیا و صالح‌نژاد، ۱۳۹۰: ۹). افراد همان‌گونه که هنجارهای متداول و نقش‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند نقش‌ها و الگوهای رفتار انحرافی را نیز می‌آموزند (Clinard and Meier, 2008: 22). مراکز آموزشی و خصوصاً دانشگاه‌ها یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای تجمع افراد و این‌گونه یادگیری‌هاست.

درواقع، برخی شواهد نشان می‌دهد که دانشجویان در مقایسه با هم‌سن‌وسال‌های خود در خارج از دانشگاه نرخ بالاتری از رفتارهای انحرافی را بروز می‌دهند (Ford and Blumenstein, 2013: 56-57). تحقیقات نشان‌دهنده افزایش رفتارهای انحرافی دانشجویان طی سال‌های اخیر است (Durkin et al., 1999; Lewis et al., 2012; O'Brien et al., 2012). بنابراین گسترش رفتار انحرافی در جوانان، به‌ویژه در میان دانشجویان دانشگاه‌ها، مسئله‌ای بغرنج است که به علت پیامدهای منفی متعدد آن برای جامعه نیازمند توجه جدی است.

نظریه‌های جامعه‌شناختی متعددی رفتارهای انحرافی را بررسی کرده‌اند. نظریه کلاسیک فشار/ آنومی (classic strain/ anomie theory) رابرت کی مرتن (Robert K. Merton) یکی از نظریات کلاسیک جرم‌شناسی است که با بررسی ساختارهای جامعه رفتار انحرافی را تبیین می‌کند. مرتن دریافت که دو عنصر برای ایجاد شرایط بالقوه آنومیک با هم در تعامل‌اند: اهداف فرهنگی (cultural goals) تعریف‌شده و ابزارهای اجتماعی پذیرفته‌شده برای دستیابی به آن‌ها. جامعه معاصر بر اهداف کسب ثروت، موفقیت، و قدرت تأکید می‌کند. ابزارهای اجتماعی مشروع دستیابی شامل کار سخت، تحصیلات، و صرفه‌جویی است. مرتن استدلال می‌کند که در ایالات متحده ابزارهای مشروع (legitimate means) دستیابی به ثروت در مقوله‌های طبقه و پایگاه قشربندی شده است (Siegel, 2011: 205). به‌ویژه، ایالات متحده جامعه‌ای است که در آن اهداف موفقیت بیش‌ازحد مورد تأکیدند در حالی که ابزارهای مشروع دستیابی به آن‌ها به‌میزان کافی مورد تأکید نیست (Antonaccio, 2008: 5). مرتن این نوع از جامعه را که در آن نابرابری فرصت‌ها با تأکید قوی بر موفقیت همراه است جامعه آنومیک توصیف می‌کند و رفتار انحرافی را واکنشی به شرایط آنومی در نظر می‌گیرد.

ارزیابی‌های مختلف از نظریه کلاسیک فشار ضعف‌های نظری و تجربی آن را در تبیین رفتارهای انحرافی نشان می‌دهند؛ اول آن‌که، نظریه مرتن فقط یک متغیر تبیینی را به‌منزله منبع انگیزش رفتار انحرافی شناسایی می‌کند؛ دوم آن‌که، بحث مرتن درباره عنصر مرکزی انگیزش، یعنی فشار، ناقص است؛ سوم آن‌که، این نظریه از حذف توصیف درباره مهارهای دیگری که ممکن است اثر این نوع فشار را خنثی کنند و از این رو پاسخ‌های افراد به محیط آنومیک را تغییر دهند رنج می‌برد؛ هم‌چنین در توصیف فرایند کامل علی نیز موفق نبوده است (Antonaccio, 2008: 11-23). از سوی دیگر، تعدادی از سؤالات نیز با نظریه مرتن بی‌پاسخ مانده است؛ از جمله این‌که چرایی ارتکاب افراد به جرم خاصی را تبیین نمی‌کند. هم‌چنین منتقدان بیان می‌کنند که افراد نه یک هدف واحد، بلکه اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. دستیابی به این اهداف فقط موضوع طبقه اجتماعی نیست، عوامل دیگری همانند هوش، شخصیت، و زندگی خانوادگی هم می‌توانند مانع دستیابی به اهداف شوند و هم می‌توانند دستیابی به آن‌ها را تسهیل کنند (Siegel, 2011: 206).

اصطلاح «نظریه کنترل» نیز به دیدگاهی بازمی‌گردد که درباره کنترل انسان بحث می‌کند. نظریه‌های کنترل اجتماعی بزه‌کاری را به متغیرهای عادی جامعه نسبت می‌دهند و به‌جای طرح این پرسش نمونه‌ای جرم‌شناسان مبنی بر این‌که «چه عواملی افراد را مجرم می‌کند؟» نظریه پردازان کنترل اجتماعی بر آن‌اند که رفتار انحرافی مسئله‌ای موردانتظار است و آن‌چه باید تشریح شود این است که «چرا مردم از قانون پیروی می‌کنند». جزء مهم همه نظریه‌های کنترل اجتماعی تلاش برای تشریح عوامل بازدارنده مردم از ارتکاب جرم است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۲۸۳-۲۸۴).

مباحث مطرح‌شده در بالا ضرورت بررسی نظریه کلاسیک فشار را، در کنار سایر نظریه‌های مطرح‌شده درباره مهارهای جرم، برای ارائه تبیین کامل‌تری از رفتارهای انحرافی موردتوجه قرار می‌دهد. بنابراین، تحقیق حاضر در پی آن است که با بررسی توان تبیین نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل (control theories) (بازدارندگی (deterrence)، پیوند اجتماعی (social bonds)، و نظریه عمومی جرم (general theory of crime)) که ناظر بر مهارهای درونی و هم‌چنین بیرونی‌اند رفتارهای انحرافی دانشجویان را تبیین کند. از این رو این تحقیق درصدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان را براساس نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل تبیین کرد؟

۲. مرور پیشینه تجربی تحقیق

در خارج از کشور تحقیقات زیادی در پرتو نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل اجتماعی به منظور تبیین رفتارهای انحرافی میان دانشجویان انجام گرفته است؛ در این مطالعات چهارچوب نظری پژوهش را نظریه عمومی جرم به هم راه ترکیبی از یک یا چند نظریه مانند نظریه‌های فشار، بازدارندگی، انتخاب عقلانی، و یادگیری اجتماعی تشکیل داده‌اند که در این میان نظریه بازدارندگی و سپس انتخاب عقلانی جایگاه اول را در هم‌راهی با نظریه عمومی جرم به منظور تبیین رفتارهای انحرافی به خود اختصاص داده‌اند. نظریه عمومی جرم الهام‌گر تحقیقات بسیاری بوده است (Grasmick et al., 1993; Pratt and Cullen, 2000; Tittle, 2003; Antonaccio and Tittle, 2008). این مطالعات با حمایت قابل توجهی از قضایای این نظریه اذعان می‌دارند که خودکنترلی پایین پیش‌بینی‌کننده متوسط انواع مختلفی از رفتارهای انحرافی است.

تحقیقاتی که نظریه بازدارندگی را برای تبیین رفتارهای انحرافی به کار برده‌اند (Paternoster, 1987; Pratt et al., 2006; Pograsky, 2007) هم‌بستگی منفی میان قطعیت درک‌شده از مجازات‌ها و جرم را نشان می‌دهند. هم‌چنین نتایج تحقیقاتی که تأثیر پیوندهای اجتماعی را بررسی می‌کنند نشان می‌دهند که در بیش‌تر موارد پیوستگی و التزام در دو بعد خانواده و مدرسه تأثیرات مفروضی در افزایش رفتارهای انحرافی دارند. به‌علاوه، تحقیقات مختلفی نظریه کلاسیک فشار و بسیاری از مفاهیم آن را طی بیست سال گذشته بازبینی کرده‌اند (Ozbay and Ozcan, 2006) و جهت‌گیری‌های متفاوتی را درخصوص آن دنبال کرده‌اند که شامل عملیاتی‌کردن متفاوت فشار و معرفی مفاهیمی است که تاکنون بررسی نشده‌اند. در این میان، فقط یک مورد از تحقیقات آنتوناکیو (Antonaccio, 2008) از چهارچوب نظری موردنظر تحقیق حاضر که شامل نظریه‌های کلاسیک فشار/آنومی، بازدارندگی، پیوند اجتماعی، و نظریه عمومی جرم است استفاده کرده است. متغیر وابسته این پژوهش‌ها مجموعه‌ای شامل ارتکاب چند رفتار انحرافی از جمله مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، رانندگی در حالت مستی، و تقلب را تشکیل داده است. در تحقیقات خارجی علاوه بر رفتارهای انحرافی مصداق‌های متفاوتی از آن نظیر مصرف مواد، ماری‌جوانا، الکل، رفتارهای پرخطر جنسی، رفتارهای خطرآفرین رانندگی، و ... به‌طور جداگانه بررسی شده‌اند. حجم نمونه بسیار زیاد، استفاده از داده‌های طولی، استفاده از تئوری‌های متعدد، و استفاده از روش مدلیابی معادلات ساختاری از ویژگی‌های مثبت

تحقیقات اخیر است که یافته‌های قابل‌توجهی را درباره‌ی پیش‌بینی رفتارهای انحرافی دانشجویان به‌دست می‌دهد و نتایج پژوهش را استنادپذیر می‌کند.

مرور نتایج تحقیقات پیشین درباره‌ی رفتارهای انحرافی در ایران واقعیت‌های تلخی را درخصوص گسترش روزافزون این‌گونه رفتارها بازگو می‌کند. درمیان تحقیقات داخلی درزمینه‌ی رفتارهای انحرافی، برای نمونه، پژوهش‌های مقصودی و بنی‌فاطمه (۱۳۸۳)، خدایاری‌فرد و دیگران (۱۳۸۷)، میری و بهرامی (۱۳۸۹)، نظیفی و دیگران (۱۳۹۰)، خامسان و امیری (۱۳۹۰)، علیوردی‌نیا و صالح‌نژاد (۱۳۹۰)، علیوردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۳)، بیرامی و دیگران (۱۳۹۳)، علیوردی‌نیا و خاکزاد (۱۳۹۲)، علیوردی‌نیا و همتی (۱۳۹۲)، و علیوردی‌نیا و دیگران (۱۳۹۴) قابل‌توجه است. باوجود پژوهش‌های گسترده در خارج از کشور درخصوص رفتارهای انحرافی مطالعات اندکی در داخل کشور باتوجه‌به نظریه‌های مطرح‌شده در تحقیق حاضر انجام شده‌اند. در پژوهش‌های داخلی محققان برای تبیین علّی رفتارهای انحرافی بر متغیرهایی مانند گسست بین آرزوها و توقعات، دین‌داری، خودکنترلی، برچسب رسمی، مؤلفه‌های پیوند اجتماعی، سابقه‌ی مصرف مواد در خانواده، حمایت عاطفی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، و به‌ویژه جنسیت تأکید کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد در ایران تحقیق مستقلی با ارزیابی توان تبیینی نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل مشتمل‌بر نظریه‌های کلاسیک فشار/آنومی، بازدارندگی، پیوند اجتماعی، و نظریه‌ی عمومی جرم در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان انجام نشده است و این تحقیق در پی پرکردن این خلأ پژوهشی است.

۳. چهارچوب نظری

۱.۳ نظریه‌ی کلاسیک فشار/ آنومی مرتن

مرتن (۱۹۳۸) مقاله‌ی بسیار مهمی با عنوان «ساختار اجتماعی و آنومی» (social structure and anomie) منتشر کرد. وی در این مقاله، با توسعه‌ی یک جهت از نظریه‌ی دورکیم، مدعی شد که آنومی می‌تواند وضعیت عادی امور برای اشخاص در بخش‌های خاصی از جامعه باشد، وقتی که اهداف فرهنگی مانند توفیق مالی موردتأکید فراوان و راه‌های دستیابی به آن اهداف مسدود باشد (رایبگتون و واینبرگ، ۱۳۹۰: ۱۰۱). مرتن استدلال می‌کند که دو عنصر فرهنگ اجتماعی یعنی هنجارهای نهادی‌شده (ابزارهای مشروع) و اهداف فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در جوامع متوازن و پایدار بر هر دو، یعنی اهداف فرهنگی و ابزارهای

مشروع دستیابی به آن‌ها، تأکید مشابهی می‌شود. به‌علاوه، همه افراد در ساختار اجتماعی توانایی دسترسی به این ابزارها را دارند. درمقابل، جوامع دیگری توانایی حفظ توازن میان اهداف فرهنگی و ابزارها را ندارند (Antonaccio, 2008: 4-5). زمانی که در جامعه میان اهداف و ابزارها تناسبی نباشد، یعنی زمانی که فرصت‌ها برای افراد به‌علت موقعیت طبقه اجتماعی‌شان مسدود شده باشد، مشکلات فشار پدید می‌آید (Tierney, 2006: 96).

۲.۳ نظریه کلاسیک فشار آلبرت کوهن

آلبرت کوهن (Albert Cohen) در اثر خود «پسران بزه‌کار» نسخه‌ای از نظریه فشار را ارائه می‌دهد. دیدگاه اصلی کوهن آن است که اعضای جامعه نظام ارزشی مشترکی دارند که بر ارزش‌هایی خاص در مقایسه با دیگر ارزش‌ها تأکید دارد. در ایالات متحده این ارزش‌ها در ارتباطی تنگاتنگ با طبقه متوسط قرار دارند. اغلب این ارزش‌های مشترک بر اهدافی تأکید دارند که به موفقیت می‌انجامند؛ بنابراین، موفقیت به‌خودی‌خود به یک هدف عمومی تأییدشده تبدیل می‌شود. فرصت‌ها برای رسیدن به اهداف بیش‌تر در دسترس طبقه متوسط است تا طبقه پایین (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۳: ۱۷۰) و جوانان طبقه پایین شکلی از تضاد فرهنگی و به‌تعبیر کوهن وضعیت ناکامی را تجربه می‌کنند. در نتیجه بسیاری از آنان به دارودسته‌ها می‌پیوندند. کوهن دارودسته‌های بزه‌کارانه را خرده‌فرهنگی مجزا می‌داند که سیستم ارزشی آن مخالف با جامعه است و خرده‌فرهنگ را آن چیزی توصیف می‌کند که هنجارهایش را از فرهنگ بزرگ‌تر می‌گیرد، اما آن‌ها را وارونه می‌کند (Siegel, 2011). به‌عبارت‌دیگر، کوهن خرده‌فرهنگ یادشده را نوعی نظام فرهنگی جای‌گزین به‌حساب می‌آورد. نظامی که شکل‌گیری و رشد آن محصول دو عامل زیر است: نخست فرصت‌های فروبسته بر اعضای جوان طبقه کارگر؛ دیگر، عزت‌نفس پایینی که این افراد بدان دچارند (وایت و هینز، ۱۳۹۲: ۱۶۰-۱۶۱).

۳.۳ نظریه‌های کنترل

۱.۳.۳ نظریه بازدارندگی

فرض بنیادی نظریه بازدارندگی این است که ترس از مجازات‌ها افراد را از ارتکاب جرم باز خواهد داشت (Antonaccio, 2008: 25). نظریه‌پردازان بازدارندگی را شامل سه جزء می‌دانند. سرعت (celerity)، قطعیت (certainty)، و شدت (severity). سرعت عبارت است

از سرعتی که مجازات تحقق می‌یابد؛ قطعیت عبارت است از اطمینان از وقوع مجازات زمانی که عملی نامطلوب به وقوع می‌پیوندد؛ شدت نیز عبارت است از میزان درد و رنجی که در انتظار مرتکبان چنین اعمالی است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۳۶).

بازدارندگی شامل فرایندی دویخشی است: اول این‌که، درک فرد از قطعیت و شدت مجازات تحت‌تأثیر ویژگی‌های عینی مجازات است و دوم این‌که، افزایش در میزان درک فرد از احتمال مجازات و شدت آن احتمال بروز رفتار انحرافی را کاهش می‌دهد (Tierney, 2006: 154). دانشمندان بازدارندگی معاصر نیز بر دو نوع از پیامدهای منفی کنش‌های انسانی، مجازات‌های رسمی و غیررسمی، تمرکز کرده‌اند (Antonaccio, 2008: 27-28).

دوناشاپ (Dunashop) می‌گوید تهدید مجازات غیررسمی بازدارنده واقعی است و مجازات رسمی تا جایی مهم است که موجب مجازات غیررسمی می‌شود. توافق قابل‌توجهی در این زمینه برقرار است که مجازات‌های غیررسمی تأثیرات بازدارندگی بیش‌تری در مقایسه با مجازات‌های رسمی دارند (Tierney, 2006: 169).

۲.۳.۳ نظریه پیوند اجتماعی

هیرشی (۱۹۶۹) در کتاب *علل بزه‌کاری خود استدلال* می‌کند که بشر به‌طور طبیعی قابلیت ارتکاب جرم یا کنش‌های انحرافی را دارد. در این نظریه او تلاش می‌کند به این سؤال که چرا افراد هم‌نوا می‌شوند پاسخ دهد و نشان می‌دهد که علت این هم‌نواپی پیوند اجتماعی قوی با جامعه است. برعکس، اگر پیوند اجتماعی فردی ضعیف باشد، این فرد با احتمال بیش‌تری مرتکب اعمال انحرافی می‌شود (Antonaccio, 2008: 40). هیرشی چهار عنصر پیوند اجتماعی را شناسایی کرد: پیوستگی، التزام، مشغولیت، و باور. پیوستگی اشاره به حساسیت یک فرد و علاقه او به دیگران دارد، التزام شامل زمان، انرژی، و تلاش به‌کارگرفته‌شده در مسیر عمل متعارف است، مشغولیت به‌معنای آن است که درگیری در فعالیت‌های متداول زمان کمی را برای رفتار غیرقانونی باقی می‌گذارد؛ هم‌چنین باور گویای آن است که افرادی که در محیط اجتماعی مشابهی زندگی می‌کنند باورهای اخلاقی مشترکی دارند و ممکن است به ارزش‌هایی همانند احترام به قانون پای‌بند باشند (Siegel, 2011: 263-265).

۳.۳.۳ نظریه عمومی جرم (نظریه خودکنترلی)

جدیدترین نسخه نظریه کنترل اجتماعی مربوط به میشل گانفردسون و تراویس هیرشی است که با عنوان «نظریه عمومی جرم» معروف به «نظریه خودکنترلی» (self-control theory)

مورد توجه قرار می‌گیرد (وینفیری، ۱۳۸۸: ۲۸۵). خودکنترلی به معنای توان افراد در محدود کردن خویش است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۲۱۲). در این اثر بحث اصلی این است که رفتار مجرمانه ناشی از سطح پایین خودکنترلی است (Tierney, 2006: 331). افراد با خودکنترلی پایین که از رفتارهای پرخطر، هیجانی، و کام‌روایی فوری لذت می‌برند با احتمال بیش‌تری از اعمال مجرمانه‌ای که نیاز به مخفی‌کاری، چابکی، سرعت، و قدرت دارند، در مقایسه با اعمال متعارف که خواهان بررسی طولانی‌مدت و مهارت‌های شناختی و کلامی‌اند، لذت می‌برند (Siegel, 2011: 308).

میزان خودکنترلی فرد به شیوه‌هایی که او اجتماعی می‌شود، به‌خصوص در خانواده و طی سال‌های اولیه زندگی‌اش، بستگی دارد (Tierney, 2006: 331) و علت خودکنترلی پایین فرزندپروری بی‌اثر است (Clinard and Meier, 2008: 93). از شرایط موردنیاز برای توسعه خودکنترلی به میزان کافی این است که والدین یا سایر سرپرست‌های کودک بر فعالیت‌های او نظارت داشته باشند، رفتارهای انحرافی‌اش را بازشناسند، و به اصلاح این رفتارها بپردازند (Nofziger, 2010: 30).

در مجموع، استفاده از چهارچوب نظری چندگانه برای بررسی رفتارهای انحرافی می‌تواند سودمند باشد، زیرا میزان ترس از مجازات‌ها (قطعیت درک‌شده از مجازات‌ها) ممکن است به مشخص کردن شرایطی کمک کند که در آن افراد از انطباق‌های متداول با فشار صرف‌نظر می‌کنند و در عوض راه‌بردهای مقابله‌ای مجرمانه و برعکس را انتخاب می‌کنند. همان‌طور که در نظریه پیوند اجتماعی اشاره شد از آن‌جاکه افراد با کنترل اجتماعی پایین پیوندهای عاطفی کمی دارند در نتیجه ترس کم‌تری نیز برای از دست دادن پیوستگی موردنظر در صورت ارتکاب به اعمال انحرافی دارند. بنابراین وقتی که آنان فشار را تجربه می‌کنند احتمال بیش‌تری دارد که از طریق راه‌بردهای مقابله‌ای آن را مهار کنند. از سوی دیگر، فشار ممکن است پیوستگی فرد به دیگران را نیز به‌خطر اندازد (Antonaccio, 2008: 30-39).

طبق نظریه عمومی جرم نیز افراد با خودکنترلی پایین تکانشی‌اند، در نتیجه، ممکن است پاسخ‌های مجرمانه به فشار را که اغلب شامل کام‌روایی فوری است انتخاب کنند. هم‌چنین از آن‌جاکه افراد با خودکنترلی پایین قادر به تحمل شرایط ناامیدکننده نیستند احتمال بیش‌تری برای تجربه فشار و ناامیدی منجر به جرم دارند. برخی از محققان معتقدند که افرادی که فشار را بارها تجربه می‌کنند با موارد بسیاری مواجه می‌شوند که خودداری باید اعمال شود

در نتیجه ممکن است میزان خودکنترلی شان به حداقل رسد. این سطح کاهش یافته خودکنترلی به احتمال زیاد درگیری بیش‌تری را در رفتار انحرافی ایجاد می‌کند (ibid: 46). به‌طور کلی، قرارگرفتن در معرض فشار پیوندهای فرد با دیگران مهم را تضعیف می‌کند و ارزیابی فرد از خطرهای مجازات و خودکنترلی درونی را تحت‌تأثیر (کاهش) قرار می‌دهد.

۴. فرضیه‌های تحقیق

- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از دست‌نیافتن به اهداف ارزش‌مند مثبت است (مستخرج از نظریه کلاسیک فشار)؛
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از گسست بین آرزوها و توقعات است (مستخرج از نظریه کلاسیک فشار)؛
- رفتارهای انحرافی تابعی مثبت از تصور از محدودیت فرصت است (مستخرج از نظریه کلاسیک فشار)؛
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از ترس از مجازات‌هاست (مستخرج از نظریه بازدارندگی)؛
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از پیوستگی است (مستخرج از نظریه پیوند اجتماعی)؛
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از التزام است (مستخرج از نظریه پیوند اجتماعی)؛
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از باور است (مستخرج از نظریه پیوند اجتماعی)؛
- رفتارهای انحرافی تابعی منفی از خودکنترلی است (مستخرج از نظریه عمومی جرم).

۵. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر پیمایشی - مقطعی (cross-sectional) است. جمعیت تحقیق همه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه مازندران در سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴ است که تعداد آنان براساس آمار به‌دست‌آمده از اداره آموزش این دانشگاه ۱۱۳۷۷ نفر (۴۳۶۹ پسر و ۷۰۰۸ دختر) است. باتوجه‌به برآورد دواس (۱۳۹۰: ۷۸) از حجم نمونه با پاره‌ای از ویژگی‌ها، مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری پنج‌درصد، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب تشخیص داده شد. باتوجه‌به احتمال مخدوش شدن پرسش‌نامه‌ها بر اثر پاسخ‌ندادن، الگوی یکنواختی در پاسخ‌دهی، پاسخ‌های نامربوط، مفقود

شدن پرسش‌نامه‌ها، و غیره و برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه در مجموع ۴۲۰ پرسش‌نامه تکثیر و توزیع شد. پس از کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های مخدوش، در نهایت ۳۸۰ پرسش‌نامه تجزیه و تحلیل شد. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم است. مطابق با نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، دانشگاه به دو مقوله جنسیت و دانشکده طبقه‌بندی شد.

۶. اعتبار و پایایی ابزار سنجش

در این تحقیق برای بررسی اعتبار ابزار سنجش از روش اعتبار محتوا برای تمامی متغیرهای تحقیق و اعتبار سازه نظری برای متغیر وابسته استفاده شد. در این شیوه ارزیابی معیار برحسب مطابقت آن با انتظارات نظری انتخاب می‌شود (همان: ۶۴). نتایج تحقیق پیش رو حاکی از آن بود که بین میانگین رفتار انحرافی پسران و میانگین رفتار انحرافی دختران تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که میانگین رفتار انحرافی پسران در مقایسه با میانگین رفتار انحرافی دختران به طرز معناداری بیش تر است. این یافته با نتایج تحقیقات متعدد پیشین خارجی (Denno, 1990; Deng, 1994; Bennet, 2005) و داخلی (علیوردی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰؛ علیوردی‌نیا و یونسی، ۱۳۹۳؛ علیوردی‌نیا و قهرمانیان، ۱۳۹۵) مطابقت دارد. بنابراین مقیاس متغیر وابسته این پژوهش (رفتارهای انحرافی) از اعتبار سازه نظری برخوردار است. هم‌چنین برای سنجش پایایی ابزار سنجش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج آلفای کرونباخ مقیاس‌های تحقیق

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
دست‌نیافتن به اهداف ارزش‌مند مثبت	۴	۰/۷۰
تصور از محدودیت فرصت	۴	۰/۵۲
ترس از مجازات‌ها	۱۳	۰/۷۵
پیوستگی	۲۰	۰/۸۷
التزام	۱۴	۰/۸۹
باور	۱۱	۰/۷۹
رفتارهای انحرافی	۲۰	۰/۸۵

۷. تصریح مفاهیم و سنجش متغیرها

۱.۷ متغیر وابسته

۱.۱.۷ رفتارهای انحرافی

رفتارهای انحرافی (deviant behaviors) به تمامی اعمال و نگرش‌هایی گفته می‌شود که با انتظارات فرد، گروه‌ها، و نهادها سازگار نیستند. ویژگی این‌گونه رفتارها آن است که مجازاتی به دنبال دارند (شفرز، ۱۳۹۰: ۲۲۳). در پژوهش حاضر به منظور سنجش عملی متغیر رفتارهای انحرافی از مقیاس ساخته‌شده علیوردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۴) استفاده شده است.

۲.۷ متغیرهای مستقل

۱.۲.۷ دست‌نیافتن به اهداف ارزش‌مند مثبت

به اعتقاد مرتن افرادی که تأکید بر دست‌یابی به هدف غالب دارند در صورتی که نتوانند با ابزارهای مشروع بدان دست یابند، با احتمال بیش‌تری در شرایط خاص مرتکب رفتارهای انحرافی می‌شوند (Antonaccio, 2008: 68). دست‌نیافتن به اهداف ارزش‌مند مثبت (the failure to achieve positively valued goals) در دو بعد اهداف شغلی و اهداف تحصیلی بررسی شده است. طراحی این مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین است (Fium, 2003; Langtun and Piquero, 2007).

۲.۲.۷ گسست بین آرزوها و توقعات

در سنت مرتونی آرزوها به‌مثابه اهداف ایده‌آلی که باید برای آن‌ها تلاش کرد در نظر آورده می‌شوند، در حالی که، درباب توقعات فرد فکر می‌کند در عمل قادر است به آن‌ها برسد. استدلال این است که تفاوت میان آرزوها و توقعات به نوعی ناامیدی اجتماعی بالاتری از رفتار انحرافی منجر می‌شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۱۱۸). متغیر گسست بین آرزوها و توقعات (the gap between aspiration and expectation) در سه بعد گسست بین آرزوهای پولی و توقعات پولی، گسست بین آرزوهای تحصیلی و توقعات تحصیلی، و گسست بین آرزوهای پولی و توقعات تحصیلی سنجیده شده است. این مقیاس مبتنی بر پژوهش‌های پیشین طراحی شده است (علیوردی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲).

۳.۲.۷ تصور از محدودیت فرصت

نظریه کلاسیک فشار نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی با محدود کردن دسترسی به فرصت‌های مشروع برای دستیابی به اهداف موفقیت فشار ایجاد می‌کند (Antonaccio, 2008: 72). متغیر تصور از محدودیت فرصت (perception of limited opportunities) بر اساس مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین (علیوردی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۲) طراحی شده است.

۴.۲.۷ ترس از مجازات‌ها

متغیر ترس از مجازات‌ها (fear of punishments) در دو بعد ترس از مجازات‌های رسمی و غیررسمی سنجیده شده است. مجازات‌های رسمی مجازات‌هایی‌اند که به‌طور نظام‌مند اقتدارهای سازمان‌یافته آن‌ها را مطرح کرده‌اند و اغلب در قوانین و سیاست‌های عدالت کیفری بیان شده‌اند. مجازات‌های غیررسمی ناشی از واکنش‌های غیررسمی اعضای خانواده، دوستان، و دیگر افراد مهم‌اند که معمولاً به‌طور نظام‌مند برنامه‌ریزی نشده‌اند (Antonaccio, 2008). طراحی این مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین بوده است (Paternoster, 1989; Vito et al., 2007; Tibbetts and Myers, 1999; Nagin and Paternoster, 1993; Piquero et al., 2005; Tibbetts, 1997).

۵.۲.۷ پیوستگی

پیوستگی (attachment) به پیوندهای عاطفی فرد با پدر و مادر، دوستان، و مدرسه بازمی‌گردد. میزان قدرت پیوستگی که فرد به افراد مهم دیگر یا به نهادها پیدا می‌کند می‌تواند مانع انحراف شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۲۰۹). متغیر پیوستگی در سه بعد پیوستگی خانوادگی، پیوستگی تحصیلی، و پیوستگی مذهبی سنجیده شده است. طراحی این مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین بوده است (Ozbay and Ozcan, 2006؛ علیوردی‌نیا و فهیمی، ۱۳۹۳).

۶.۲.۷ التزام

التزام (commitment) ارائه‌کننده میزانی از سرمایه‌گذاری (نظیر میزان تحصیلات، شهرت خوب، یا ایجاد یک کار تجاری) است که فرد پیش‌تر در جامعه انجام داده است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱: ۲۰۹). در این تحقیق متغیر التزام در دو بعد التزام تحصیلی و التزام مذهبی سنجش شده است. طراحی این مقیاس مبتنی بر تحقیقات پیشین است (علیوردی‌نیا و فهیمی، ۱۳۹۳؛ Ford, 2008).

۷.۲.۷ باور

باور (belief) نشان‌دهنده پذیرش این امر است که قواعد اجتماعی عادلانه و دائم‌الاجراست (Chui and Chan, 2011: 23-30). هیرشی استدلال می‌کند که اگر افراد باور کنند که قوانین مشروع‌اند، با احتمال بیش‌تری از قوانین اجتماعی پیروی می‌کنند (Antonaccio, 2008: 34). متغیر باور براساس مقیاس مبتنی‌بر تحقیقات پیشین (علیوردی‌نیا و فهیمی، ۱۳۹۳) سنجیده شده است.

۸.۲.۷ خودکنترلی

سطوح مناسب خودکنترلی تمایل فردی پایداری است که به کنش‌گران اجازه می‌دهد از اعمال و رفتارهای آنی که هزینه‌ها و پیامدهایش از مزایای بلندمدت آن بیش‌تر است اجتناب کنند (Nofziger, 2008: 192). گراسمیک و دیگران (Grasmick et al., 1993) مقیاسی برای سنجش خودکنترلی در شش بعد تکانش‌گری، خورم‌محوری، و ... تدوین کردند که در این تحقیق برای سنجش متغیر خودکنترلی از مقیاس شش‌گویه‌ای آن استفاده شده است (Antonaccio, 2008).

۸. یافته‌های تحقیق

جنسیت ۶۳/۷ درصد (۲۴۲ نفر) پاسخ‌گویان دختر و ۳۶/۳ درصد (۱۳۸ نفر) آنان پسر است. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۲۲/۵ سال است. گروه سنی ۲۱-۲۳ سال با ۴۶/۶ درصد (۱۷۷ نفر) بیش‌ترین فراوانی و گروه سنی بالاتر از ۲۹ سال با ۲/۶ درصد (۱۰ نفر) کم‌ترین فراوانی را دارند. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی با ۲۱/۶ درصد (۵۴ نفر دختر و ۲۸ نفر پسر) و پس‌از آن دانشکده علوم اقتصادی و اداری با ۱۹/۲ درصد (۴۹ نفر دختر و ۲۴ نفر پسر) بیش‌ترین تعداد پاسخ‌گویان را دارند. دانشکده علوم دریایی با ۰/۵ درصد کم‌ترین میزان پاسخ‌گویان را به‌خود اختصاص داده است. بیش‌ترین میزان پاسخ‌گویان با ۶۸/۷ درصد در مقطع کارشناسی بوده‌اند که از این میان ۱۶۸ نفر دانشجوی دختر و ۹۳ نفر دانشجوی پسرند. تعداد دانشجویان ساکن در خوابگاه با ۶۳/۲ درصد (۲۴۰ نفر) و تعداد دانشجویان ساکن در نزد اقوام با ۰/۵ درصد (۲ نفر) به‌ترتیب بیش‌ترین و کم‌ترین فراوانی را دارند. بیش‌ترین میزان پاسخ‌گویان با ۲۱/۸ درصد (۸۳ نفر) در ترم تحصیلی ششم تحصیل می‌کنند.

جدول ۲. توزیع فراوانی متغیر رفتارهای انحرافی و ابعاد آن

ابعاد	گزینه	پسر		دختر		کل	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بعد مصرف مواد، مشروبات الکلی، روان گردان، و انحراف جنسی	اصلاً - کم	۹۵	۶۸/۸	۲۳۵	۹۷/۱	۳۳۰	۸۶/۸
	متوسط	۳۸	۲۷/۵	۶	۲/۵	۴۴	۱۱/۶
	زیاد - خیلی زیاد	۵	۳/۶	۱	۰/۴	۶	۱/۶
بعد وندالیسم و سرقت	اصلاً - کم	۱۲۱	۸۷/۷	۲۳۶	۹۷/۵	۳۵۷	۹۳/۹
	متوسط	۱۳	۹/۴	۵	۲/۱	۱۸	۴/۷
	زیاد - خیلی زیاد	۴	۲/۹	۱	۰/۴	۵	۱/۳
بعد تقلب تحصیلی	اصلاً - کم	۴۹	۳۵/۵	۱۲۴	۵۱/۲	۱۷۳	۴۵/۵
	متوسط	۲۷	۱۹/۶	۷۰	۲۸/۹	۹۷	۲۵/۵
	زیاد - خیلی زیاد	۶۲	۴۴/۹	۴۸	۱۹/۸	۱۱۰	۲۸/۹
بعد پرخاش گری	اصلاً - کم	۸۶	۶۲/۳	۲۲۰	۹۰/۹	۳۰۶	۸۰/۵
	متوسط	۴۴	۳۱/۹	۱۷	۷	۶۱	۱۶/۱
	زیاد - خیلی زیاد	۸	۵/۸	۵	۲/۱	۱۳	۳/۴
کل رفتارهای انحرافی	اصلاً - کم	۶۷	۴۸/۶	۲۰۵	۸۴/۷	۲۷۲	۷۱/۶
	متوسط	۵۸	۴۲	۳۵	۱۴/۵	۹۳	۲۴/۵
	زیاد - خیلی زیاد	۱۳	۹/۴	۲	۰/۸	۱۵	۳/۹

جدول ۲ براساس دامنه نظری محاسبه شده است و توزیع فراوانی متغیر رفتارهای انحرافی و ابعاد آن را نشان می دهد. طبق داده های جدول فوق، بیشترین میزان رفتارهای انحرافی در بعد تقلب تحصیلی بوده است، به طوری که، حدود ۲۸/۹ درصد از دانشجویان در حد زیاد - خیلی زیاد اظهار کرده اند که مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده اند که از این تعداد سهم دانشجویان پسر با ۴۴/۹ درصد بیش تر از سهم دانشجویان دختر با ۱۹/۸ درصد است. پس از آن بیشترین میزان رفتارهای انحرافی در بعد پرخاش گری است، به طوری که، حدود ۱۹/۴۷ درصد از دانشجویان در حد متوسط و زیاد - خیلی زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده اند که از این تعداد سهم دانشجویان پسر با ۳۷/۶۸ درصد بیش تر از سهم دانشجویان دختر با ۹/۰۹ درصد است. هم چنین کمترین میزان رفتارهای انحرافی در بعد وندالیسم و سرقت است، به طوری که، حدود ۹۳/۹ درصد از دانشجویان

اظهار کرده‌اند که در حد اصلاً - کم مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند که از این تعداد سهم دانشجویان پسر ۸۷/۷ درصد و سهم دانشجویان دختر ۹۷/۵ درصد است. طبق نتایج جدول بالا، میزان رفتارهای انحرافی دانشجویان در حد اصلاً - کم است، به طوری که، حدود ۷۱/۶ درصد از دانشجویان اظهار کرده‌اند که در حد اصلاً - کم مرتکب رفتارهای انحرافی شده‌اند و از این میان سهم دانشجویان پسر با ۴۸/۶ درصد کم‌تر از دانشجویان دختر با ۸۴/۷ درصد است. هم‌چنین رفتارهای انحرافی ۲۴/۵ درصد از پاسخ‌گویان در حد متوسط است که از این تعداد سهم دانشجویان پسر با ۴۲ درصد بیش‌تر از دانشجویان دختر با ۱۴/۵ درصد است.

به‌طور کلی، مطابق با نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و دیگران (۱۳۹۴) بیش‌ترین ارتکاب رفتارهای انحرافی به‌ترتیب برای بعد تقلب، پرخاش‌گری، وندالیسم و سرقت، مصرف مواد، و انحرافات جنسی به‌دست آمده است. هم‌چنین با نگاهی به تحقیقات پیشین درخصوص رفتارهای انحرافی، نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و دیگران (۱۳۹۲) نشان می‌دهد که ۹۲ درصد دانشجویان دختر و ۶۴ درصد دانشجویان پسر در حد اصلاً - کم به مصرف مشروبات الکلی پرداخته‌اند. دانشجویان پسر با ۴۵ درصد بیش‌تر از دختران با ۲۰ درصد (دو برابر) به مصرف مشروبات الکلی پرداخته‌اند. درخصوص مصرف مواد مخدر هم بیش‌ترین فراوانی در میان دانشجویان پسر بوده است. هم‌چنین نتایج نشان می‌دهد که ۶۲ درصد پسرها و ۷۶ درصد از دخترها اصلاً در مهمانی‌های مختلط دوستانه شرکت نکرده‌اند؛ این درحالی است که ۱۲ درصد پسرها و ۷ درصد دخترها در حد زیاد - خیلی‌زیاد در مهمانی‌های مختلط دوستانه شرکت کرده‌اند. در بعد تقلب تحصیلی نیز نتایج نشان می‌دهد که ۴۸/۸ درصد از دانشجویان دختر و ۴۴/۵ درصد از دانشجویان پسر به میزان اصلاً - کم و حدود ۵۰ درصد دانشجویان دختر و ۵۵ درصد دانشجویان پسر در حد متوسط و زیاد - خیلی‌زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند. در مقایسه با یافته‌های تحقیق حاضر که نشان می‌دهد ۶۷/۳ درصد دانشجویان پسر و ۹۴ درصد از دانشجویان دختر در حد اصلاً - کم مشروبات الکلی مصرف کرده‌اند، کاهش میزان مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان طی دو سال اخیر رخ داده است. به‌طور کلی، در بعد مصرف مواد مخدر همانند تحقیق پیشین رفتارهای انحرافی در میان پسران بیش‌تر از دختران است. در تحقیق حاضر، در بعد تقلب تحصیلی میزان رفتارهای انحرافی در حد متوسط و زیاد - خیلی‌زیاد با ۴۹ درصد در دانشجویان دختر و ۶۴ درصد در دانشجویان پسر روی می‌دهد که نشان می‌دهد میزان

تقلب تحصیلی در میان دانشجویان دختر ثابت و در میان پسران افزایش یافته است. در بعد وندالیسم، در مقایسه با نتایج تحقیق دیگر علیوردی‌نیا و دیگران (۱۳۹۲) درباره رفتار وندالیسمی دانشجویان، نتایج تحقیق حاضر حاکی از افزایش میزان رفتارهای وندالیسمی در میان دانشجویان است؛ به طوری که در تحقیق پیشین ۹۵/۲ درصد از دانشجویان پسر و ۸۷/۱ درصد از دانشجویان دختر به میزان اصلاً - کم و ۳ درصد دانشجویان پسر و ۷/۲ درصد دانشجویان دختر در حد زیاد - خیلی زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند، در حالی که، در تحقیق حاضر ۷۵/۳ درصد از دانشجویان پسر و ۸۶/۲ درصد از دانشجویان دختر در حد اصلاً - کم و ۸/۵ درصد دانشجویان پسر و ۱/۷ درصد دانشجویان دختر در حد زیاد - خیلی زیاد مرتکب این نوع از رفتارهای انحرافی شده‌اند. هم‌چنین هم‌سو با نتایج تحقیق علیوردی‌نیا و خاکزاد (۱۳۹۲)، علیوردی‌نیا و فهیمی (۱۳۹۳)، و علیوردی‌نیا و دیگران (۱۳۹۴) نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد از جمله مصرف مواد مخدر، تقلب تحصیلی، وندالیسم و سرقت، و پرخاش‌گری رفتارهای انحرافی پسران بیش‌تر از دختران بوده است.

جدول ۳. تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل در رفتارهای انحرافی بر حسب دختر و پسر

ضریب بتا															
رفتارهای انحرافی			پرخاش‌گری			تقلب تحصیلی			وندالیسم و سرقت			مصرف مواد مخدر، روان‌گردان، مشروبات الکلی، و انحراف جنسی			متغیرهای وابسته متغیرهای مستقل
کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	
نظریه کلاسیک فشار/ آتومی															
-۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۰۶	-۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۳	-۰/۰۲	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۱۴°	-۰/۰۲	-۰/۱۳	۰/۰۳	دست‌نیافتن به اهداف ارزش‌مند مثبت
۰/۱۲°	۰/۱۱	۰/۱۷°	۰/۰۷	۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۱۵°	۰/۱۳	۰/۱۷°	-۰/۰۰	-۰/۰۰	-۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۲۱°	گسست بین آرزوها و توقعات
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۲	-۰/۰۲	۰/۰۵	-۰/۰۸	-۰/۰۷	-۰/۱۲	-۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۰۸	تصور از محدودیت فرصت
نظریه بازدارندگی															
-۰/۱۲°	-۰/۱۱	-۰/۱۲	-۰/۰۵	-۰/۱۰	۰/۰۰	-۰/۱۲°	-۰/۰۷	-۰/۱۴°	-۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۱۳°	-۰/۱۷	-۰/۱۳°	ترس از مجازات‌ها
نظریه پیوند اجتماعی															
-۰/۰۳	۰/۰۰	-۰/۰۵	-۰/۲۲°	-۰/۱۹	-۰/۲۲°	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۳	-۰/۱۷°	۰/۰۹	۰/۰۰	-۰/۰۰	-۰/۲۱°	۰/۰۰	پیوستگی
-۰/۲۹°	-۰/۲۹°	-۰/۲۵°	-۰/۱۰	-۰/۰۷	-۰/۰۷	-۰/۲۷°	-۰/۲۹°	-۰/۲۲°	۰/۰۳	-۰/۲۶°	-۰/۰۲	-۰/۳۱°	-۰/۲۰	-۰/۳۸°	التزام
-۰/۲۶°	-۰/۲۷°	-۰/۱۰	-۰/۲۲°	-۰/۲۳°	-۰/۰۶	-۰/۱۱	-۰/۱۵	-۰/۰۲	-۰/۱۶°	-۰/۴۴°	-۰/۲۰°	-۰/۱۹°	-۰/۰۷	-۰/۱۱	باور
نظریه عمومی جرم															
-۰/۱۴°	-۰/۱۸°	-۰/۲۴°	-۰/۰۸	-۰/۱۶	-۰/۱۴°	-۰/۱۳°	-۰/۰۷	-۰/۲۱°	-۰/۳۸°	-۰/۱۳	-۰/۲۸°	-۰/۰۲	-۰/۲۱°	-۰/۰۲	خودکنترلی
R ²															
۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۳۶	۰/۲۳	۰/۲۶	۰/۱۲	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۲۸	۰/۳۴	۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۲۸	R ²
۲۵/۱۶	۹/۲۴	۱۰/۰۷	۱۴/۱۵	۵/۸۵	۴/۰۹	۱۰/۲۲	۳/۱۲	۵/۸۲	۱۸/۰۱	۸/۶۱	۶/۷۵	۱۶/۵۶	۴/۲۷	۱۱/۳۸	F value

جدول ۳ تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل در متغیر رفتارهای انحرافی و ابعاد آن را به تفکیک پاسخ‌گویان دختر و پسر و کل آنان نشان می‌دهد. طبق داده‌های این جدول، از متغیرهای نظریه کلاسیک فشار، فقط متغیر گسست بین آرزوها و توقعات هنگامی که با دیگر متغیرهای نظریه کنترل وارد تحلیل شد در رفتارهای انحرافی و در بعد تقلب تحصیلی در دختران و در کل دانشجویان و در بعد مصرف مواد مخدر و ... فقط در دختران معنادار بود. بیش‌ترین میزان تبیین آن در بعد مصرف مواد مخدر و ... بوده است. متغیر دست‌نیافتن به اهداف ارزش‌مند مثبت فقط در بعد وندالیسم و سرقت و آن هم در دختران معنادار بوده است. متغیر ترس از مجازات‌ها در رفتارهای انحرافی فقط در کل دانشجویان و در بعد مصرف مواد مخدر و ... و تقلب تحصیلی هم در کل دانشجویان و هم در دختران معنادار بوده است. بیش‌ترین میزان تبیین این متغیر در بعد تقلب تحصیلی و آن هم برای دختران است. متغیر پیوستگی در بعد پرخاش‌گری هم در دختران و هم در کل دانشجویان، در بعد وندالیسم و سرقت فقط در کل دانشجویان، و در بعد مصرف مواد مخدر و ... فقط در پسران معنادار بوده است. بیش‌ترین میزان تبیین متغیر پیوستگی در بعد پرخاش‌گری بوده است. متغیر التزام در کل رفتارهای انحرافی و بعد تقلب تحصیلی معنادار بوده است. در بعد مصرف مواد مخدر و ... هم در دختران و هم در کل دانشجویان و در بعد وندالیسم و سرقت فقط در پسران معنادار بوده است. متغیر باور به‌جز بعد وندالیسم و سرقت در سایر ابعاد در دختران و در کل بعد تقلب تحصیلی معنادار نبوده است. بیش‌ترین میزان تبیین باور در بعد وندالیسم و سرقت و آن هم در پسران بوده است. متغیر خودکنترلی در کل رفتارهای انحرافی معنادار بوده است. در سایر ابعاد نیز به‌جز بعد مصرف مواد مخدر و ... در دختران معنادار بوده است و در بعد مصرف مواد مخدر و ... فقط برای پسران معنادار بوده است. بیش‌ترین میزان تبیین‌کنندگی متغیر خودکنترلی در بعد وندالیسم و سرقت و آن هم در کل دانشجویان است.

در مجموع، متغیر باور در بعد وندالیسم و سرقت برای پسران با بتای $0/44$ - بیش‌ترین تبیین را ارائه داده است و پس‌از آن، متغیر التزام در بعد مصرف مواد مخدر و ... برای دختران با بتای $0/38$ - و متغیر خودکنترلی در بعد وندالیسم و سرقت برای کل دانشجویان با بتای $0/38$ - بیش‌ترین میزان تبیین را ارائه کرده‌اند.

جدول ۴. ضرایب تأثیر مدل‌های نظری مؤثر در رفتارهای انحرافی

متغیر وابسته رفتارهای انحرافی												متغیرهای مستقل
ضریب بتا												
مدل ۴			مدل ۳			مدل ۲			مدل ۱			
کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	کل	پسر	دختر	
نظریه کلاسیک فشار/ آنومی												
-۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۰۶	۰/۰۲	-۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۱۲*	۰/۱۴	۰/۰۲	دست‌نیافتن به اهداف ارزش‌مند مثبت
۰/۱۲**	۰/۱۱	۰/۱۷**	۰/۱۲**	۰/۱۱	۰/۱۶**	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۱۱	گسست بین آرزوها و توقعات
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۱	تصور از محدودیت فرصت
نظریه بازدارندگی												
-۰/۱۲*	-۰/۰۱	-۰/۱۲	-۰/۱۱*	-۰/۰۸	-۰/۱۲	-۰/۳۵**	-۰/۳۴**	-۰/۲۷**	-----	-----	-----	ترس از مجازات‌ها
						-----	-----	-----	-----	-----	-----	نظریه پیوندهای اجتماعی
-۰/۰۳	-۰/۰۰	-۰/۰۵	-۰/۰۳	۰/۰۰	-۰/۰۳	-----	-----	-----	-----	-----	-----	پیوستگی
-۰/۲۹**	-۰/۲۹**	-۰/۲۵**	-۰/۲۹**	-۰/۲۹*	-۰/۲۶**	-----	-----	-----	-----	-----	-----	التزام
-۰/۲۶**	-۰/۲۷**	-۰/۱۰	-۰/۳۱**	-۰/۳۶**	-۰/۱۶*	-----	-----	-----	-----	-----	-----	باور
نظریه عمومی جرم												
-۰/۱۴**	-۰/۱۸*	-۰/۲۴**	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	-----	خودکنترلی
۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۳۵	۰/۳۳	۰/۳۳	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۱	R ²
۲۵/۱۶	۱۰/۰۷	۲۵/۱۶	۲۶/۶۶	۹/۴۵	۸/۴۲	۱۴/۹۱	۵/۰۵	۵/۵۰	۱/۶۱	۰/۴۸۹	۰/۹۴۱	F value
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۱۸۶	۰/۸۱۴	۰/۴۲۱	Sig

در تحقیق حاضر، برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و پی بردن به عوامل مؤثر در رفتارهای انحرافی از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به تفکیک دختر، پسر، و کل آنان استفاده شده است. برای سنجش تأثیر هر یک از متغیرها در متغیر رفتارهای انحرافی و به منظور تبیین آن مدلی در نظر گرفته شد که در آن نخست متغیرهای نظریه کلاسیک فشار در مدل ۱ وارد تحلیل شدند و سپس متغیرهای دیگر نظریه‌ها به ترتیب بازدارندگی در مدل ۲، سپس متغیرهای پیوندهای اجتماعی در مدل ۳، و در نهایت متغیر نظریه عمومی جرم در مدل ۴ وارد تحلیل شدند.

در مدل ۱ متغیرهای نظریه کلاسیک فشار به تنهایی وارد مدل شده‌اند؛ ضریب تعیین ۰/۰۱ و سطح معناداری ۰/۱۸۶ گویای آن است که مدل ۱ به طور کلی و هم چنین به تفکیک دو جنسیت دختر و پسر مدل خوبی برای تبیین رفتارهای انحرافی نیست. در مدل ۲ متغیر نظریه بازدارندگی به مدل ۱ اضافه شد؛ ضریب تعیین ۰/۱۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مدل ۲ در مقایسه با مدل ۱ بهتر می‌تواند تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی را پیش‌بینی کند؛ این میزان در میان پسران بیش‌تر از دختران است. در مدل ۳ متغیرهای پیوندهای اجتماعی به مدل ۲ اضافه شدند؛ ضریب تعیین ۰/۳۳ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل ۳ بهتر از مدل‌های ۱ و ۲ می‌تواند تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی را پیش‌بینی کند؛ در این مدل نیز میزان ضریب تعیین برای دانشجویان پسر بیش‌تر از دانشجویان دختر است. به عبارت دیگر، مدلی با ترکیب این نظریه‌ها بیش‌تر رفتارهای انحرافی پسران را در مقایسه با دختران تبیین می‌کند. در مدل ۴ متغیر نظریه عمومی جرم وارد مدل شد. ضریب تعیین ۰/۳۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل ۴، که مدلی کامل و مشتمل بر تمامی متغیرهای مورد بررسی تحقیق حاضر است، به نحوی مستدل‌تر می‌تواند تغییرات متغیر رفتارهای انحرافی را پیش‌بینی کند. نکته قابل توجه این است که مدل ۴، برخلاف سه مدل دیگر، بیش‌تر رفتارهای انحرافی دختران را در مقایسه با پسران تبیین می‌کند.

۹. نتیجه‌گیری

تحقیقات بسیاری در زمینه رفتارهای انحرافی و علت‌یابی آن انجام گرفته است. نتایج این تحقیقات ضعف‌های نظری و تجربی نظریه کلاسیک فشار/آنومی را در تبیین رفتارهای انحرافی نشان می‌دهد. بنابراین در تحقیق حاضر سعی شده است از نظریه کلاسیک فشار/آنومی و سایر تبیین‌های جرم برای تبیین رفتارهای انحرافی استفاده شود. نتایج نشان داد که

از میان هشت متغیر مستقل پنج متغیر گسست بین آرزوها و توقعات، ترس از مجازات‌ها، التزام، باور، و خودکنترلی تأثیر معناداری در وقوع رفتارهای انحرافی داشته‌اند. این فرضیه تأیید شد که گسست بین آرزوها و توقعات با رفتارهای انحرافی رابطه مثبت و معنادار دارد. ضرایب تأثیر این متغیر در جداول رگرسیونی نشان می‌دهد که این متغیر در رفتارهای انحرافی و در بعد تقلب تحصیلی هم در کل دانشجویان و هم در دختران و در بعد مصرف مواد مخدر و ... فقط در دختران معنادار بوده است. شایان ذکر است که رابطه گسست بین آرزوها و توقعات با رفتارهای انحرافی در دانشجویان پسر معنادار نبوده است. در سنت مرتنی آرزوها اهداف مطلوبی در نظر گرفته می‌شوند که برای رسیدن به آن‌ها باید تلاش کرد، درحالی‌که، درباب توقعات فرد می‌پندارد که در عمل قادر به دستیابی به آن‌هاست. تفاوت میان آرزوها و توقعات در افراد به نوعی احساس ناامیدی و احتمال بالاتری از رفتارهای انحرافی منجر می‌شود (ویلیامز و مک‌شین، ۱۳۹۱). نتایج این تحقیق منطبق با نتایج تحقیقات پیشین (Ozby and Ozcan, 2006; Farnworth and Leiber, 1989; Agnew et al., 1996; Greenberg, 1999) است.

فرضیه برقراری رابطه منفی بین ترس از مجازات‌ها و رفتارهای انحرافی تأیید شده است. ضرایب تأثیر این متغیر در جداول رگرسیونی نشان‌دهنده آن است که رابطه میان ترس از مجازات‌ها و رفتارهای انحرافی فقط در کل دانشجویان و در ابعاد مصرف مواد مخدر و ... و تقلب تحصیلی هم در کل دانشجویان و هم در دختران معنادار بوده است. نظریه پردازان بازدارندگی معتقدند که افراد خودخواه و خودمحورند؛ بنابراین، آنان باید از طریق ترس از مجازات‌ها برانگیخته شوند که انگیزه‌های ملموسی را برای آنان در جهت اطاعت از قانون فراهم می‌کند (Siegel, 2011: 103). یافته‌های این تحقیق هم‌سو با یافته‌های تحقیقات پیشین (Ozby and Ozcan, 2006; Farnworth and Leiber, 1989; Agnew et al., 1996; Greenberg, 1999) است.

فرضیه برقراری رابطه معکوس بین التزام و رفتارهای انحرافی تأیید شده است. ضرایب تأثیر این متغیر در جداول رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیر التزام در کل رفتارهای انحرافی و در بعد تقلب تحصیلی معنادار بوده است. التزام نتیجه رویکرد سود-زیان به جرم است؛ به این معنا که اگر افراد التزام قوی‌ای به جامعه متعارف داشته باشند، با احتمال کم‌تری مرتکب اعمالی می‌شوند که موفقیت‌هایشان را در زندگی به خطر بیندازد. درمقابل، ملتزم نبودن به ارزش‌های متعارف ممکن است نشان‌دهنده موقعیتی باشد که در آن رفتار

مخاطره‌آمیز از قبیل جرم جانشین رفتار معقول می‌شود (Siegel, 2011: 265). نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین (Junger and Marshall, 1997) هم‌سو بوده است. فرضیه برقراری رابطه معکوس بین باور و رفتارهای انحرافی تأیید شد. متغیر باور به‌جز در بعد وندالیسم و سرقت در سایر ابعاد در میان دختران و در کل بعد تقلب تحصیلی معنادار نبوده است. افراد به قواعد و مقررات احترام می‌گذارند، زیرا باور دارند که عادلانه‌اند و نوعی تعهد اخلاقی به پیروی از آنها احساس می‌کنند. در نظریه کنترل اجتماعی استدلال شده است که تضعیف باورهای متعارف به هر علتی احتمال رفتارهای انحرافی را افزایش می‌دهد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق چویی و چان (Chui and Chan, 2011) هم‌سو است. فرضیه دیگر تحقیق مبنی بر برقراری رابطه معکوس بین خودکنترلی و رفتارهای انحرافی نیز تأیید شد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر خودکنترلی در کل رفتارهای انحرافی معنادار بوده است و در سایر ابعاد نیز به‌جز در بعد مصرف مواد مخدر و ... در میان دختران معنادار بود. خودکنترلی به معنایی توانایی فرد در محدود کردن خود است. گانفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) معتقدند که افراد با خودکنترلی پایین ویژگی‌هایی دارند که آنان را برای رفتارهای انحرافی مستعد می‌کند. این افراد که از رفتارهای پرخطر، هیجانی، و کام‌روایی فوری لذت می‌برند با احتمال بیش‌تری از اعمال مجرمانه‌ای که به مخفی‌کاری، چابکی، سرعت، و دقت نیاز دارند لذت بیش‌تری ببرند (Siegel, 2011: 308). نتایج این تحقیق منطبق با نتایج تحقیقات پیشین (Grasmick et al., 1993; Foster, 2004; Kobayashi, 2010;) (Ford and Blumenstein, 2011) و در تناقض با نتایج تحقیق جونز و دیگران (Jones et al., 2007) است. به‌طور خلاصه، متغیر باور در بعد وندالیسم و سرقت برای پسران با بتای ۰/۴۴- بیش‌ترین تبیین را ارائه داده است و پس‌از آن، متغیر التزام در بعد مصرف مواد مخدر و ... برای دختران با بتای ۰/۳۸- و متغیر خودکنترلی در بعد وندالیسم و سرقت برای کل دانشجویان با بتای ۰/۳۸- بیش‌ترین میزان تبیین را ارائه کرده‌اند.

هم‌چنین مطالعات پیشین نشان دادند که استفاده از تبیینی نظری ممکن است ناکارآمد باشد، حتی اگر آن متغیر به‌تنهایی بسیار مهم باشد. تبیین نظری‌ای موفق است که سایر تبیین‌های نظری را دربرگیرد. نتایج تحقیق حاضر همانند سایر پژوهش‌ها نشان داد که نظریه کلاسیک فشار به‌تنهایی نمی‌تواند رفتارهای انحرافی دانشجویان را تبیین کند. در نهایت، استفاده از نظریه‌های کلاسیک فشار و کنترل می‌تواند قدرت تبیینی را بهبود بخشد و تبیین مستدل‌تری از رفتارهای انحرافی ارائه دهد. مدل مشتمل بر مجموع این

نظریه‌ها بهتر می‌تواند رفتارهای انحرافی دختران را در مقایسه با پسران تبیین کند. به‌طور کلی، بین پسران و دختران از لحاظ میزان وقوع رفتارهای انحرافی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به‌طوری‌که ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان پسر بیش‌تر از دانشجویان دختر است. همان‌طور که گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) اظهار کرده‌اند تفاوت‌های پایداری بین مشارکت در رفتارهای انحرافی دختران و پسران براساس مفهوم خودکنترلی دیده می‌شود، زیرا والدین وظایف متفاوتی را در قبال پسران و دختران خود به‌کار می‌گیرند. این تفاوت‌های جنسیتی در اوایل دوران زندگی روی می‌دهد و طی زندگی افراد پایدار می‌ماند. به‌بیان دقیق‌تر، والدین از آن‌جاکه بیم آن را دارند که عواقب رفتارهای انحرافی زیان به‌مراتب بیش‌تری را برای دختران در مقایسه با پسران به‌هم‌راه داشته باشد، گرایش زیاد به نظارت دقیق فرزندان دخترشان و شناخت هرچه بیش‌تر رفتارهای انحرافی وی دارند.

در مجموع می‌توان این‌گونه بیان کرد که از یک‌سو، قرار گرفتن در معرض فشار ممکن است التزام فرد به فعالیت‌های متداول، باورهای او به قوانین، ارزیابی وی از خطرهای مجازات، و خودکنترلی را تحت‌تأثیر قرار دهد و از سوی دیگر، ترس از مجازات‌ها، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های متداول، باور به عادلانه بودن قوانین، و خودکنترلی بالا می‌تواند به شرایطی منجر شوند که فرد از انطباق‌های معمول با فشار صرف‌نظر و راه‌بردهای مقابله‌ای را انتخاب کند.

کتاب‌نامه

- دواس، دی. ای. (۱۳۹۰). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.
- شفرز، برنارد (۱۳۹۰). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- علیوردی‌نیا، اکبر و صالح صالح‌نژاد (۱۳۹۰). «خودکنترلی و جنسیت و تأثیر آن بر رفتار انحرافی»، زن در توسعه و سیاست، دوره نهم، ش ۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر، محمود شارخ‌پور، و فاطمه مرادی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر خودکنترلی و پیوند اجتماعی بر نگرش دانشجویان نسبت به مصرف الکل»، *فصل‌نامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی*، دوره اول، ش ۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر و زینب خاکزاد (۱۳۹۲). «تبیین تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای انحرافی براساس نظریه فشار عمومی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهاردهم، ش ۴.
- علیوردی‌نیا، اکبر و امین فهیمی (۱۳۹۳). «تعمیم‌پذیری جنسیتی نظریه پیوند اجتماعی در تبیین رفتارهای انحرافی دانشجویان دختر»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره سوم، ش ۱.

علیوردی نیا، اکبر و عرفان یونسی (۱۳۹۴). «پیش‌درآمدی بر ساخت، اعتباریابی، و رواسازی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ش ۹.

علیوردی نیا، اکبر، رحمت‌الله معمار، و سیمین نصرترزهی (۱۳۹۴). «بررسی تجربی رابطه دین‌داری، خودکنترلی، و رفتار انحرافی»، فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، س ۴، ش ۱۶.

مقصودی، سوده و زهرا بنی‌فاطمه (۱۳۸۳). «تحلیل محتوای دیوان‌نویسی‌های کلاس‌های درس دانشگاه شهید باهنر کرمان»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۳، ش ۱۳.

وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۹۲). جرم و جرم‌شناسی؛ متن درسی نظریه‌های جرم و کجروی، ترجمه علی سلیمی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

ویلیامز، فرانک پی. و ماری‌لین دی مک‌شین (۱۳۹۱). نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: میزان.

ویلیامز، فرانک پی. و ماری‌لین دی مک‌شین (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: میزان.

- Agnew, Robert (1992). "Foundation for A General Strain Theory of Crime and Delinquency", *Criminology*, Vol. 30.
- Agnew, R. et al. (1996). "A New Test of Classic Strain Theory", *Justice Quarterly*, Vol. 13.
- Antonaccio, Olena (2008). "Theoretical Investigation of the Causes of Juvenile Delinquency in Ukraine: Toward Integration of Classic Strain and Control Theories", P.H.D Thesis, USA: University of Carolina State.
- Antonaccio, Olena and Charles R. Tittle (2008). "Morality, Self-Control, and Crime", *Criminology*, Vol. 46.
- Bennet, S. et al. (2005). "Explaining Gender Differences in Crime and Violence: The Importance of Social Cognitive Skills", *Aggression and Violent Behavior*, Vol. 10.
- Chui, Wing Hong and Chan Heng Choon (Oliver) (2011). "Social Bonds and Male Juvenile Delinquency While on Probation: An Exploratory Test in Hong Kong", *Children and Youth Services Review*, Vol. 33.
- Clinard, B. Marshal and F. Meier Robert (2008). *Sociology of Deviant Behavior*, Belmont, CA : Thomson/ Wadsworth.
- Deng, X. (1994). "Toward a More Comprehensive of Crime: An Integrated Model of Self-Control and Rational Choice Theories", P.H.D Thesis, USA: University of New York.
- Denno, D.W. (1990). *Biology and Violence: From Birth to Adulthood*, England: Cambridge University Press.
- Durkin, K., T. Wolfe, and G. Clark (1999). "Social Bonds Theory and Binge Drinking Among College Students: A Multivariate Analysis", *College Student Journal*, Vol. 33.
- Farnworth, Leiber (1989). "Strain Theory Revisited: Economic Goals, Educational Means, and Delinquency", *American Sociological Review*, Vol. 54.

- Fiume, Timothy M. (2003). "Testing Strain, Control, and Differential Association Theories of Juvenile Delinquency", P.H.D Thesis, The Pennsylvania State University, The Graduate School.
- Ford, J. A. (2008). "Nonmedical Prescription Drug Use Among Adolescents: The Influence of Bonds to Family and School", *Youth and Society*, Vol. 40.
- Ford, Jason A. and Lindsey Blumenstein (2012). "Self-Control and Substance Use Among College Students", *Journal of Drug Issues*, Vol. 43, No. 1.
- Foster, David Robert (2004). "Can the General Theory of Crime Account for Computer Offenders: Testing Low Self-Control as a Predictor of Computer Crime Offending", P.H.D Thesis.
- Grasmick, Harold G. et al. (1993). "Reduction In Drunk Driving As A Response to Increased Threats of Shame, Embarrassment, and Legal Sanctions", *Criminology*, Vol. 31.
- Greenberg, D. (1999). "The Weak Strength of Social Control Theory", *Crime and Delinquency*, Vol. 45.
- Jason, A. Ford and Lindsey Blumenstein (2013). "Self-Control and Substance Use Among College Students", *Journal of Drug Issues*, Vol. 43, No. 1.
- Jones, Shayne, Elizabeth Cauffman, and Alex R. Piquero (2007). "The Influence of Parental Support Among Incarcerated Adolescent Offenders: The Moderating Effects of Self-Control", *Criminal Justice and Behavior*, Vol. 34, No. 2.
- Junger, Marianne and Ineke H. Marshall (1997). "The Interethnic Generalizability of Social Control Theory: An Empirical Test", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 34.
- Kobayashi, Emiko et al. (2010). "A Culturally Nuanced Test of Gottfredson and Hirschi's 'General Theory': Dimensionality and Generalizability in Japan and the United States", *International Criminal Justice Review*, Vol. 20, No. 2.
- Langton, Lynn and Nicole Leeper Piquero (2007). "Can General Strain Theory Explain White-Collar Crime? A Preliminary Investigation of the Relationship Between Strain and Select White-Collar Offenses", *Journal of Criminal Justice*, Vol. 35.
- Lewis, Todd F., Elizabeth Likis-Werle, and Cheryl L. Fulton (2012). "Modeling Alcohol Use Intensity Among Students at a Historically Black University: The Role of Social Norms, Perceptions for Risk, and Selected Demographic Variables", *Journal of Black Psychology*, Vol. 38, No. 3.
- Nagin, D. S. and R. Paternoster (1993). "Enduring Individual Differences and Rational Choice Theory of Crime", *Law and Society Review*, Vol. 27, No. 3.
- Nagin, Daniel S. and Greg Pogarsky (2001). "Integrating Celerity, Impulsivity and Extralegal Sanction Threats into A Model of General Deterrence: Theory and Evidence", *Criminology*, Vol. 39.
- Nofziger, Stacey (2008). "The 'Cause' of Low Self-Control: The Influence of Maternal Self-Control", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 45, No. 2.
- Nofziger, Stacey (2010). "A Gendered Perspective on the Relationship Between Self-Control and Deviance", *Feminist Criminology*, Vol. 5, No. 1.

- O'Brien, Mary Claire et al. (2012). *Journal of Health Psychology*, Vol. 18, No. 4.
- Ozby, Ozden and Yusuf Z. Ozcan (2006). "A Test of Hirschi's Social Bonding Theory", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, Vol. 50.
- Paternoster, Raymond (1987). "The Deterrent Effect of the Perceived Certainty and Severity of Punishment: A Review of the Evidence and Issues", *Justice Quarterly*, Vol. 4.
- Piquero, N. L. et al. (2005). "The Influence of Delinquent Peers on Delinquency: Does Gender Matter?", *Youth and Society*, Vol. 36, No. 3.
- Pogarsky, Greg and Alex R. Piquero (2003). "Can Punishment Encourage Offending? Investigating the 'Resetting' Effect", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, Vol. 40.
- Pratt, Travis C. and Francis T. Cullen (2000). "The Empirical Status of Gottfredson's and Hirschi's General Theory of Crime: A Meta-Analysis", *Criminology*, Vol. 38.
- Pratt, Travis C. et al. (2006). "The Empirical Status of Deterrence Theory: A Meta-Analysis", *Taking Stock: The Status of Criminological Theory*, Francis T. Cullen, John Paul Wright, and Kristie R. Blevins (eds.), New Brunswick: Transaction Publishers.
- Tibbetts, S. G. and D. L. Myers (1999). "Low Self- Control, Rational Choice, and Student Test Cheating", *American Journal of Criminal Justice*, Vol. 23, No. 2.
- Tibbetts, S. G. (1997). "Shame and Rational Choice in Offending Decisions", *Criminal Justice and Behavior*, Vol. 24, No. 2.
- Tienery, John (2006). *Criminology: Theory and Context*, London: Longman.
- Tittle, Charles and Raymond Paternoster (2000). *Social Deviance and Crime: An Organizational and Theoretical Approach*, Los Angeles: Roxbury Publishing Company.
- Vito, G. F., J. R. Maahs, and R. M. Holmes (2007). *Criminology: Theory, Research, and Policy*, Canada: Jones and Bartlett Learning.